

میدون و سوفیا

جغرافیای مسئولان؛ صفر!



یوریا عالمی

- سوفیا... عشقم... رئیس جمهور گفته:

هر چه درخت بیشتر باشه... ابر بیشتر می‌باره، ابر نگاه می‌کنه به پایین؛ می‌بینه خبری نیست، کویره، برای چی بیاره؟ میره جای دیگه.

اتفاقا احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور سابق ایران هم گفته بود:

انگلستان یک جزیره کوچک در غرب آفریقااست. می‌دانی سوفیا... با این وضع جغرافیای مسئولان، امیدوارم شورای نگهبان علاوه‌بر اون مسائل، یک امتحان جغرافی پایه هم بگیره. راستش دولتی‌چی‌ها می‌گویند حرف آقای رئیس‌جمهور از لحاظ علمی غلط نیست! اما او برای اینکه ما مردم توده منظور او را بفهمیم، این طوری حرف زده.

خب اوکی! اگر این طوری است که احمدی‌نژاد فیلسوف قرن بود!

و در ضمن اگر حرف رئیس‌جمهور درست باشد، چطور است ما برویم کویر لوت را چمن مصنوعی کنیم که ابرها را گول بزنیم و باران بیار؟ اتفاقا همین خانه آقای رئیس‌جمهور، هرجا که حیات است و درخت کاشته‌اند ۲۴ ساعت باران می‌آید و باقیش خشک است!

واقعا حرف ایشان غیرعلمی نیست. شما تا حالا گلخانه رفته‌ای سوفیا؟ چون گل‌وگیاه زیاد است همیشه رطوبت و ابر وجود دارد!



دور دنیا

«فرهنگ تجاوز» در سیرالئون

● با گذشت حدود دو دهه از جنگ داخلی ۱۰ ساله در سیرالئون، زخم‌های اجتماعی این جنگ هنوز التیام نیافته و آسیب‌ها امروز چنان شکلی پیدا کرده که از تبدیل معضلات اجتماعی به یک نوع رسم فراگیر و حتی آنچه فرهنگ نامیده شده است، حکایت دارد. خیرگزاری فرانسه روز گذشته (۱۴ ژانویه/ ۲۴ دی) در گزارشی از شهر فری‌تاون با عنوان «افزایش خشونت جنسی، سیرالئون را به «فرهنگ تجاوز به‌عنف» رویه‌رو کرده»، از آمارهای وحشتناک و باورنکردنی خشونت جنسی در یکی از فقیرترین کشورهای جهان برده برداشت. بر اساس این گزارش، موارد خشونت جنسی گزارش‌شده به پلیس آن کشور در سال گذشته نسبت به سال میلادی پیش از آن دوبرابر شده است. در سال ۲۰۱۸ موارد تجا‌وز به‌عنف گزارش‌شده به پلیس آن کشور ۷۰۵ میلیون‌نفری به هشت‌هزار و ۵۰۵ مورد رسیده، درحالی‌که این آمار در سال ۲۰۱۷ بالغ بر چهارهزار و ۷۵۰ مورد بوده است. حدود یک‌سوم آمار یادشده در سال ۲۰۱۸ کودکان صغیر را شامل شده است و بیش از سه‌چهارم قربانیان زیر ۱۵ سال داشته‌اند. نکته مهم این است که موارد گزارش‌شده بسیار کمتر از موارد واقعی است، چون بسیاری حتی جرئت طرح آن را در معضل را در بی‌داشته است. به گفته ابتدای گزارش از تجا‌وز سه مرد به یک دختر ۹ ساله، حتی با وجود گزارش به پلیس و شناسایی متجاوزان، در نهایت آن خانواده نتوانستند امکان اجرای عدالت را فراهم بیاورند. این مسئله ماه گذشته تظاهرات و راهپیمایی در خیابان‌های پایتخت آن کشور در جرئت طرح آن را در معضل را در بی‌داشته است. به گفته یکی از مسئولان برنامه جهانی «اولویت آموزش» سازمان ملل از کشور سیرالئون «ما در کشور سیرالئون به فرهنگ تجا‌وز مبتلا شده‌ایم، یکی از سخنرانان راهپیمایی ماه گذشته گفت: «تجا‌وز به اطفال صغیر به یک معضل ملی بدل شده است. این وضعیت غم‌انگیز، خودخواهانه، وحشانه و غیرانسانی است، و لازم است همه ما زن، مرد، سکوت خود را بشکنیم و به آن اعتراض کنیم». کمیسون حقوق بشر سیرالئون در سال ۲۰۱۷ نقایض سیستماتیک، از جمله «عدم کارایی و فساد در سیستم قضائی» را در این مورد محکوم کرد که سبب شده است بسیاری از موارد در خارج از دادگاه حل‌وفصل شوند یا هرگز به محاکمه منجر نشوند.

قوانین کفیری در سیرالئون، تجا‌وز به‌عنف را یک اقدام جنایی محسوب می‌کنند و طبق قانونی که در سال ۲۰۱۲ برای مقابله محکم‌تر با خشونت جنسی در این کشور تصویب شده است، این جرم بین پنج تا ۱۵ سال زندان، بسته به مورد، در پی خواهد داشت؛ اما به‌ندرت پیش می‌آید که حکم زندان در نظر گرفته‌شده در قانون اجرا شود. به‌تازگی حکم صادرشده دادگاهی به این کشور جنجال به پا کرد که در آن یک مرد ۵۶ساله به اتهام تجا‌وز به کودکی شش‌ساله فقط به یک سال زندان محکوم شد. این پرونده ازجمله مواردی بود که خشم و سرخوردگی عمومی را در پی داشت و درعین‌حال انگیزه‌ای برای خواست تغییر به‌معترضانی داد که در خیابان‌ها راهپیمایی کردند. به گزارش خبرگزاری فرانسه حتی عده‌ای از مقامات قضائی و ازجمله پریشلا شوارتز، وزیر دادگستری آن کشور، نیز از معترضان حمایت کرده‌اند.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

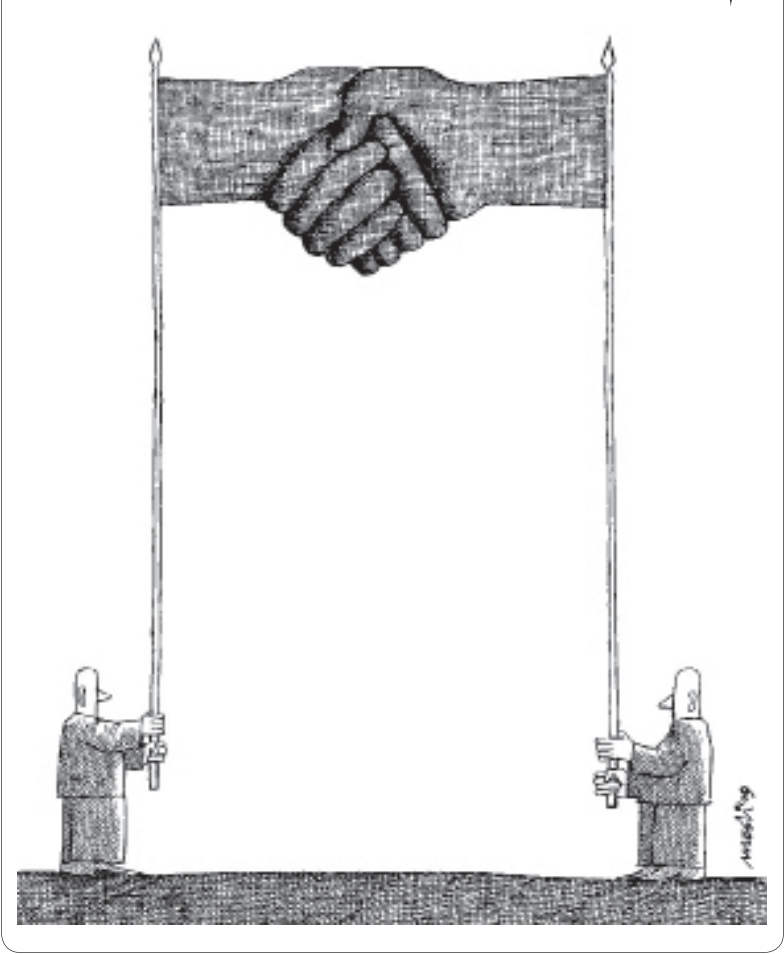
سه‌شنبه ۲۵ دی ۱۳۹۷ • جمادی‌الاول ۱۴۴۰ • ۱۵ ژانویه ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۴۳ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۱۴ • اذان مغرب ۱۷:۳۴ • اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۳

روزنارخرا

fardashargh@gmail.com

کار تون خواب

مدی بلور تاجا



منظومه خاموش ۷

شب و جاده و جوانان در خون



مهدی جوانی

از هسان جاده مهم تدارکاتی عبور کردیم تا از یک راه دیگر برویم. در راه برگشتن متوجه چهار یا پنج پیکر به‌خون‌غلتیده شدم. البته هیچ‌کدام‌شان از گروهان ما نبودند و من نمی‌شناختم‌شان. معلوم شد وقتی در حال رفتن بوده‌ایم، خمپاره‌ای نزدیک ستون به زمین نشسته و تعدادی شهید و مجروح گرفته. مجروحان را برده بودند؛ اما انتقال شهدا را به وقت مناسب‌تری موکول کرده بودند. همه شهدا لباس بادگیر سورمه‌ای به تن داشتند و هرکدام در گوشه‌ای به آرامی خفته بودند. چون همان اول کار شهید شده بودند، هنوز سر و وضع‌شان تمیز بود. در آن لحظه اعتراض به این معضل را در بی‌داشته‌ام. فراموشش نمی‌کنم. یک جاده مرطوب و سرد را در نظر بگیرد که یک ستون طویل رزمنده در دل شب روی آن در حال حرکت است. هر دو سوی جاده را آب فرا گرفته. آب آبی‌رنگی با وزش نسیم موج برمی‌دارد. چیزی به طلوع آفتاب نمانده. هرازگاه در دو سوی ستون، برجی از دل آب، بر اثر انفجار خمپاره به هوا سر می‌کشد. شهیدی که تا کمتر از یک ساعت پیش سرپا و سرحال پیش می‌رفت، حالا با صورت غرق به‌خون به زمین افتاده. دوستانش فرصت ایستادن ندارند. فقط نگاهی به صورتش و بعد حرکت. آن نسیم خنک آن حرکت آرام آب آبی‌رنگ آن افق سرخی که طلوع خورشید را نوید می‌داد و صدای مهیب انفجار خمپاره‌ها...

پشت سرم یکی گفت که اینها اولین سهمیه‌های گردان ما برای این عملیات بودند که قبل از بقیه رفتند. دیدم نماز دارد قضا می‌شود. در حال دویدن تکبیره‌الاحرام گفتم و با اشاره نماز را خواندم.

آدم‌دربرابر تانک

به انتهای جاده رسیدیم که یک سه‌راهی بود. با رسیدن به سه‌راهی، دریاچه ماهی (پروورش ماهی) از دو طرف تمام می‌شد. ما به جناح چپ رفتیم و به بچه‌های لشکر ۲۵ کربلا (مازندران) ملحق شدیم. حالا دریاچه پشت ما بود و خاکریزی جلوی ما. بعد از خاکریز، یک کانال طویل و کم‌عمق متعلق به ایران بود که مازنی‌ها در آن مستقر و در حال پدافند بودند. آن طرف‌تر از کانال منطقه درگیری آدم‌ها با جنگی تماشا کنند.

قطب‌الدین صادقی

گاهی‌وقت‌ها رفتاری با کودکان کار می‌شود که خوراندن گل که اخیراً در فیلمی دیده‌ایم، نسبت به آن هیچ است. برخی کارکنان شهرداری این بچه‌ها را مورد ضرب‌وشتم قرار می‌دهند. خود من شاهد صحنه‌ای بوده‌ام که این بچه‌ها را کتک و اردنگی می‌زدند.

کودکان کار را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. یکی بچه‌های خانواده‌های فقیر هستند که در گروه‌هایی کوچک سر چهارراه‌ها جمع می‌شوند و کاسبی می‌کنند؛ بچه‌هایی که معصومانه کمک‌خرج خانواده‌هایشان هستند و البته تعدادشان کم است. گروه دیگری هم هستند که باند‌های مافیایی قلدرهای زورگیر آنها را استثمار می‌کنند. اینها بچه‌های بی‌سرپرست و سرراهی یا مانده از ازدواج‌های نادرست یا ازدواج با اتباع خارجی هستند که در حلیی آبادهایی سازماندهی می‌شوند و در گروه‌هایی نسبتاً بزرگ‌تر، هفت یا هشت نفر سر چهارراه‌ها شیشه پاک می‌کنند یا گل می‌فروشند یا کارهایی از این قبیل می‌کنند و عده‌ای ساعت‌به‌ساعت درآمدشان را می‌گیرند و یک ریال هم از این درآمد را به خود این کودکان

قصه‌های شهر

ادب مرد به ز دولت اوست!



گیتی صفرزاده

داخل تاکسی نشسته‌ام. می‌خواهم مبلغ کرایه را ببرسم، سرفه‌ام می‌گیرد. راننده تاکسی می‌گوید: اگر می‌خواهی از دست سرفه خلاص بشوی راهش این است که... نسخه صوتی راننده درخصوص پختن سیرابی با عس را گوش کرده، تشکر می‌کنم و کرایه را دوبرابر حد معمول پرداخت کرده و از ماشین پیاده می‌شوم. داخل جلسه استکان چایی که جلویم می‌گذارند هنوز لکه ماتیک خورنده قبلی روی لب‌اش خوندنمایی می‌کند. می‌خواهم تذکر بدهم که سرفه‌ام می‌گیرد. آبدارچی می‌گوید: اگر می‌خواهی از دست سرفه خلاص بشوی... نسخه صوتی آبدارچی درخصوص دمنوش مخلوط با لیمو و عسل و زنجبیل را گوش کرده، اطمینان می‌دهم که متوجه شده‌ام و چایی‌ام را با دقت از آن طرف لبه استکان می‌نوشم. داخل بانک روبه‌روی باجه نشسته‌ام. آقایی که همین الان از راه رسیده سرش را می‌آورد بین من و مسئول باجه و مشغول طرح سؤال خودش می‌شود. می‌خواهم اعتراض کنم، سرفه‌ام می‌گیرد. آقا هراسان و نگران نگاهی به من می‌اندازد و می‌گوید: اگر می‌خواهی... نسخه صوتی ایشان را هم درباره ضرورت استفاده از ماسک لایه‌دار در هوای آلوده زمستانی گوش می‌کنم. با تشکر خودم را عقب می‌کشم تا کارشان را سریع‌تر و راحت‌تر انجام بدهند و بعد به کار من رسیدگی شود. داخل واگن مترو با پیداکردن نقطه گرانیگاه بدن سعی می‌کنم خودم را بین فشار جمعیت صاف‌وصوف نگه دارم که فروشنده سیگار آرنجش را داخل پهلویم فرو می‌کند تا کیفیت خط‌چشم‌هایش را به مسافر پشتی نشان بدهد. می‌خواهم ناله کنم که سرفه‌ام می‌گیرد. فروشنده می‌گوید: اگر... نسخه صوتی ایشان را هم درباره ریختن عسل داخل شلغم و پخت به روش بن‌ماری. لایه‌لای تضمین کیفیت خط‌چشم گوش می‌کنم و خودم را جمع‌وجورتر می‌کنم تا فرصت امتحان رنگ خط‌چشم به بقیه هم برسد. داخل بقالی بسته پتیر را روی پیشخوان می‌گذارم و با کمال تعجب متوجه افزایش قیمت یک‌هفته‌ای پتیر می‌شوم. سرفه شدید و بی‌امانی به سراغم می‌آید. فروشنده همان‌طور که قیمت‌ها را با خونسری محاسبه می‌کند، می‌گوید: این سرفه‌ها هم‌اش عصبیه... نام متخصص اعصابی را که می‌گوید به یاد می‌سپارم و با فروتنی کارت بانکی‌ام را تقدیم می‌کنم.

در خانه را در حال سرفه‌کردن باز می‌کنم. دخترم از داخل اتاقش می‌گوید: هنوز داری سرفه می‌کنی؟ می‌گویم: تو دیگه... روی تخم چشم ما جا داری.

دور دنیا

داعش علیه عروس ملکه انگلیس



مه‌ر: عروس خاندان سلطنتی انگلیس از سوی گروه تروریستی داعش تهدید به مرگ شد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، گروه تروریستی داعش با انتشار عکسی از «کیت میدلتون»، دوشس کمبریج در حال خرید از فروشگاه‌ای اعلام کرد: از حامیان و طرفداران خود می‌خواهیم وی را مسموم کنند تا بمیرد. این در حالی است که در پایین تصویر میدلتون نوشته شده است: «ما می‌دانیم او چه می‌خورد، پس مسمومش می‌کنیم». انتشار این تصویر به‌همراه نوشته گروه داعش جنجال بسیاری برپا کرد. عناصر داعش در پی یافتن راهی برای مسموم‌کردن عروس خاندان سلطنتی انگلیس با یکدیگر تبادل اطلاعات می‌کردند. گروه داعش سال گذشته میلادی ملکه الیزابت را تهدید به مرگ کرده بود.

اتفاق

شناخت زبان درمغز

شرق: «دوست‌ونودودومین سیمینار ادواری عصب‌پژوهی اجتماعی به «بدمندی شناختی زبان در مغز» اختصاص دارد. سخنران این نشست دکتر رضا نیلی‌پور، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی است. این سیمینار روز پنجشنبه ۲۷ دی‌ماه، از ساعت هشت‌ونیم تا یازده‌ونیم در سالن کنفرانس بیمارستان ایرانمهر (خیابان شریعتی، درواهی قلهک) برگزار می‌شود. در پایان نشست نیز صاحب‌نظران و علاقه‌مندان درباره موضوع به بحث و تبادل‌نظر می‌پردازند. ورود برای عموم آزاد است.

یادداشت

الیور توئیست‌های کرمانی

که به من می‌گفت خوراکی به او بدهم. نه پول، چون پول را از او می‌گیرند. خود او برایم تعریف کرد که بعضی شب‌ها بارها به او تجاوز می‌شود. آنها نه امنیت اخلاقی دارند، نه امنیت جانی، نه امنیت مالی و نه آینده‌ای و در چنین شرایطی و با این همه عقده احتمال اینکه آنان در بزرگسالی به موجوداتی بی‌رحم تبدیل شوند، بسیار زیاد است. عجیب اینکه بیشتر خشونت متوجه بچه‌های گروه اول است؛ یعنی آنهایی که از دل خانواده‌های فقیر می‌آیند تا کمک خرج خانواده‌هایشان باشند. به‌هرحال همه وجوه این پدیده کثیف، زشت و غیربشری است اما برای رفع این معضل از آدم‌های منفرد کاری ساخته نیست. به نظر من نهادهای دولتی و مردمی باید فکری عاجل برای این مسئله بکنند و حل آن به یک تصمیم عاجل اجتماعی نیاز دارد. وزارت کشور مسئول این مسئله است. طبیعتاً نهادهای باید از این تعداد زیاد بچه‌ها، به عبارتی یک‌ونیم میلیون نفر، اطلاع داشته باشند. غیرممکن است که نهادهای امنیتی و انتظامی و اطلاعاتی و همین‌طور نهادهایی مانند شهرداری از وجود این تعداد کودک که هر روز و تقریباً در تمام چهارراه‌ها حضور دارند، مطلع نباشند. اینکه بچه‌ای پنج یا شش‌ساله در سرما برای قلدرها و باند‌های مافیایی پول جمع کند، بدون‌تردید یک جنایت است و باید همه برای رفع این مشکل اقدام کنیم.

سلام به فردا

همه در گسترش خشونت مقصریم



امان‌الله قری‌بی‌مقدم

تئوری چرخش در خشونت حاکی از آن است که از خشونت، خشونت زاده می‌شود. این تئوری پیرویک است؛ یعنی هرچه خشونت بیشتر بروز کند، واکنش‌های تندتری درپی خواهد داشت و این تندی مدام بیشتر و بیشتر می‌شود. امروز می‌بینیم که جامعه خشونت‌گرا شده و خشونت‌طلبی به‌صورت آن‌که فرهنگ است؛ یعنی حتی فرزندان ما هم که مدام در معرض اخبار خشن رسانه‌ای و خشونت موجود در روابط قرار دارند، آن را عادی می‌دانند و برعکس، خنده و شوخی و مزاح و دوستی و آرام صحبت‌کردن را ممکن است کمی غیرعادی ببندارند.

علت این است که تحکم و خشونت از صدر تا ذیل جامعه را دربر گرفته و توهین و پرخاش و عصبانیت در تلویزیون و رسانه‌های ما یک امر عادی و دائمی شده است.

فرهنگ به معنای کلیه آموخته‌ها، اندوخته‌ها، آداب‌ورسوم و اعتقادات و باورهای یک جامعه که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و خاص انسان است از بدو تولد و حتی قبل از آن ساخته می‌شود. مردم‌شناسانی مانند مارگارت مید که درباره قیایل بالی در اندونزی یا سرخپوستان کواکوئتل یا دوبوها و زونی‌ها تحقیق کرده‌اند، به تفصیل به این مسئله پرداخته‌اند که فرهنگ است که خشونت یا آرامش می‌آورد. نمونه‌اش که در کتاب‌ها و مقالات متعددی به آن اشاره شده و من نیز پیش‌تر به آن اشاره کرده‌ام، کواکوئتل‌ها به خشونت و پرخاشگری و «پتلاچ» کردن (به معنی ازبین‌بردن دارایی و اموال خود برای کوبیدن دیگران) مشهورند؛ چون همواره در میان آنها سخن از نزاع و درگیری و قهرمان‌پروری است، درحالی‌که در کنار آنها زونی‌ها اصلاً با کسی دعوا ندارند و آرامش‌طلبند.

جوامع کاستی قیایل بالی اصلاً با مفهومی با عنوان دعواکردن آشنایی ندارند. آنها بسیار آرامش‌طلبند چون چنین بار می‌آیند. خانم مید نمونه‌های متعددی از این جوامع تعریف کرده است تا اثبات کند پرخاشگری و خشونت، با برعکس، آرامش و صلح‌طلبی زاده فرهنگ جامعه است. خاتم مید با ذکر مثال‌هایی درباره نحوه شیردادن توأم با آرامش مادران را نحوه برخورد پدر و مادر و برادر و خواهر با بچه و هماهنگی جامعه با آنها در این برخورد می‌گوید در این جوامع آرامش‌طلب، آنچه خانواده انجام می‌دهد، جامعه تأیید می‌کند. در یونان باستان هم به اسب‌پارت‌ها برمی‌خوریم که بچه‌هایشان را برای جنگیدن تربیت می‌کردند و تمام صحبت‌ها در میان آنها درباره جنگ و درگیری بود. حتی در یک کشور هم می‌توان مشاهده کرد که در بعضی استان‌ها خشونت‌گرایی بیشتری وجود دارد و در بعضی استان‌ها مردم بیشتر آرامش‌طلبند.

خشونت زاده فرهنگ جامعه‌است و نوع کلمات به‌کاررفته در گفت‌وگوها، نحوه شیردادن به بچه، حتی نحوه قنداق‌کردن او و بسیاری از جزئیات فرهنگی و تربیتی در این میان مؤثرند. اگر چالپوسمی و تملق نسبت به اقویبا و زورگویی و تعدی به ضعفا در جامعه‌ای رواج دارد، از فرهنگ آن جامعه گرفته شده و در واقع از لحظه تشکیل نطفه در فرد شکل گرفته است.

نظریه «طبیعت‌گرایان» مانند خانم فلورانس کلاکهورن این است که شرایط سخت و سرد اقلیمی و طبیعت خشن فرهنگ خشونت را به وجود می‌آورد که البته ما خیلی به آن اعتقاد نداریم و می‌توانیم سووند و نروژ را به‌عنوان مثال نقض آن ذکر کنیم. اما فرهنگ در واقع در طول تاریخ پدید آمده و شکل گرفته و از فرهنگ‌های دیگر هم متأثر شده است. در کشور ما عامل تاریخ‌ی خشونت بسیار مهم است، چون متأسفانه سراسر تاریخ ما با جنگ توأم بوده است؛ از حمله به یونان و حمله یونانی‌ها به ایران و جنگ با رومیان و حمله اعراب و مغول و درگیری‌های دائمی میان حکام.

به‌این‌ترتیب فرهنگ خشونت در جامعه ما نهادینه شده است. در دوران جدید عواملی دیگر هم این وضع را تشدید کرده‌اند. بی‌کاری خشونت می‌آورد، برخوردهای نادرست میان ارباب‌برجوع و رئیس و مژئوس سبب افزایش خشونت می‌شود؛ نمونه‌اش همین ماجرای اخیر برخورد نماینده سرواوان با یک کارمند گمرک و ارباب‌برجوع اداره است یا نماینده ارومیه در مجلس که به خود اجازه می‌دهد به یک خبرنگار توهین کند و با خشونت با او برخورد کند. در مجموع، خشونت نه ارثی است، نه ذاتی، نه فطری و نه نژادی. این فرهنگ جامعه است که خشونت را بارور می‌کند، خشونت‌طلبی را عادی جلوه می‌دهد و از صدر تا ذیل جامعه در بروز رفتار خشونت‌آمیز مقصرند.